بسم الله الرحمن الرحیم

### مبحث سوم: بررسی نیاز به مقدمات حکمت در کنار الفاظ عموم

مبحث سوم در مباحث عام و خاص این است که در مواردی که الفاظ عموم به کار رفته است آیا ما نیاز به مقدمات حکمت هم داریم یا نه؟

این از آن سوالات مهم است که مرحوم نائینی نظر خاص و خلاف مشهوری داده اند. این مسئله از مسائل مهم شمرده شده است، هم آقای خویی و هم آقای صدر به طور مبسوط به این مطلب پرداخته‌اند.

وقتی که مولا می فرماید: «اکرم کل عالم» ما بدون تردید از این یک عموم استغراقی را می فهمیم که هر عالمی محکوم به وجوب اکرام است اما سخن این است که تفاوت اکرم کل عالم با اکرم العالم چیست؟ در اکرم العالم هم اطلاق استغراقی استفاده می‌کنید ولی با مقدمات حکمت . در آنجایی که ادات عموم نیست، شمول و استیعاب و استغراق را از مقدمات حکمت استفاده می کنیم؛ می گوییم گفته اکرم العالم و در مقام بیان بوده است و با دیگر مقدمات حکمت می گوییم که جمیع علماء مشمول این اکرام هستند. اما در اکرم کل عالم آن شمول و استیعاب هست منتها بدون مقدمات حکمت چرا که وجود کل این را افاده می کند.

#### نظر مشهور

مشهور می گویند شمول و استیعاب را در اکرم العالم از مقدمات حکمت استفاده می کنیم و همین شمول و استیعاب در اکرم کل عالم از خود دال لفظی که کل باشد استفاده می شود و کل جای مقدمات حکمت نشسته است.

وقتی می‌گوید اکرم کل عالم این شمول عالم نیاز به مقدمات حکمت ندارد، بلکه کل آمده و همان نقش را ایفا می کند. پس شمول و استیعاب مطلق و عام تفاوتشان در این است که در مطلق، این شمول از مقدمات حکمت استفاده می شود ولی در عام از ادات عموم استفاده می شود، حال ادات عموم کل است یا جمیع یا ای یا هر ادات یا هیئاتی که عموم را می‌رساند.

مشهور می‌گوید که عموم وقتی دال لفظی داشت دیگر نیاز نیست که شما مقدمات حکمت جاری کنید. خود ادات عموم پرچم برافراشته برای بیان شمولیت و استیعاب است.

#### نظر مرحوم نائینی

در مقابل این نظر اول نظر دومی وجود دارد که نظر شاذی است و مشخصاً در اینجا کسی که این نظر را پرورانده، مرحوم نائینی است که در اجود التقریرات نظرشان تقریر شده و آمده است در محاضرات نیز آقای خویی آورده است .

نظر دوم که نظر شاذ است این است که اکرم کل عالم هم نیاز به این دارد که در مدخولش مقدمات حکمت جاری کنید و اگر مقدمات حکمت جاری نشود شمول و استیعاب نمی‌تواند داشته باشد. می‌گوید همان گونه که در اکرم العالم شما با مقدمات حکمت شمولیت را فهمیدید در اکرم کل عالم نیز باید با مقدمات حکمت به این شمولیت برسید و وجود کل تنها به عنوان تأکید است.

پس در استفاده عموم در مواردی که ادات عموم وجود دارد دو نظر است نظر اول اینکه عموم را از خود کل استفاده می کنیم بلاحاجة الی مقدمات الحکمت که نظر مشهور بود نظر دوم اینکه در آنجایی که ادات عموم هست در مدخول ادات عموم نیز باید مقدمات حکمت را جاری کنیم و بدون مقدمات حکمت در مدخول ادات شما نمی توانید استفاده شمولیت بکنید چراکه مدخول در جایی ممکن است اکرم کل عالم باشد در جایی اکرم کل عالم عادل باشد در جایی کل عالم عادل فقیه باشد که همه اینها با کل سازگار است اما اینکه آنچه که کل بر سرش وارد شده است عالم است یا عالم عادل است یا عالم عادل فقیه است یا چند قید دیگر دارد نیاز به مقدمات حکمت دارد تا کل بتواند شمولیت را برساند، چرا که برای کل هیچ یک از این مداخیل فرق نمی کند. کل حرفی کاملاً مجمل می زند می‌گوید: «همه آنچه که من بر سرش وارد شده ام»؛ حال آن مدخول عالم است یا عالم عادل است یا عالم عادل فقیه یا چیزهای دیگر اینها را مقدمات حکمت مشخص می کند نه خود کل؛ می گوییم عالم گفته عادل نگفته است پس شمول فقط مال عالم است و کاری به دیگری ندارد که این با مقدمات حکمت مشخص می شود.

#### تقریر دوم از کلام نائینی

عنوان عامی که در کلامی می آید یک خصوصیات فردیه دارد یک خصوصیات صنفیه و یک خصوصیات نوعیه و خصوصیات احوالی دارد . در عالمی که می گوییم یک خصوصیات فردیه ای است که افراد را درست می کند یک خصوصیات احوالی دارد که این زید و بکر که عالم هست حالاتی دارد مانند نشسته و ایستاده و ... سوم خصوصیات صنف ساز است مانند ایرانی و غیر ایرانی ، سفید و سیاه و خصوصیات ذاتی یا نوعی که مثلاً موضوع در جایی حیوان بود منوع آن می شود ناطق . این خصوصیات چهارگانه وجود دارد.

وقتی که مولا می‌گوید اکرم کل عالم باید دید که این کل چه می‌گوید آن عالم چه می‌گوید . ممکن است کسی تقریر اولی را بیان کند که بگوید کل می‌گوید همه افراد مدخول مورد نظر است اما اینکه این خصوصیات مصنفه و احوالیه و منوعه هم از کل استفاده بشود گفته می شود که قابل استفاده از کل نیست و باید از مقدمات حکمت استفاده شود . این تقریر دوم از کلام مرحوم نائینی است .

کار مقدمات حکمت با کار ادات عموم دو کار است ادات عموم می‌گوید شمول افرادی را درست می کنم و همه را تحت پوشش می آورم اما اینکه این مدخول حالات متفاوت دارد یا اصناف و انواع متفاوت دارد آن را باید از مقدمات حکمت به دست آورد.

می‌گوید نمی گوییم که کل می آید روی همان چیزی که مقدمات حکمت می‌گوید، تا بشود تأکید بلکه ادات عموم مانند کل می‌گوید شمول اعدادی و مقدمات حکمت شمول احوالی و اصنافی و انواعی را بیان می کند.

این دو نظریه بود که نظریه دوم نظریه شاذ بود و مورد مخالفت بزرگان بوده است.

### مناقشات مطرح در نظر نائینی

#### 1. مناقشه مرحوم خویی

مناقشه شده است که اگر نظر شما را بپذیریم در آن صورت دیگر ما عام صریح لفظی در عالم نخواهیم داشت و بساط آن در ادبیات باید جمع شود. اکرم العلماء اجمعون اکتعون جمیع العلماء و مجموع العلماء و ... باید از دلالت بر شمول حذف شود . هر چقدر هم این الفاظ بر سر علما بیاید اما العلماء باز برای اجرای شمولیت نیاز به مقدمات حکمت داشته باشد، این بعید به نظر می رسد.

#### جواب از اشکال مرحوم خویی

تصریح به عموم می شود منتها نه به این شکل بلکه تصریح بکند که منظور من شمول اصنافی و انواعی و احوالی است یعنی بگوید اکرم العلماء و منظورم همه اصناف و انواع و احوال است.

#### اشکال به جواب

کسی می‌تواند به این جواب اشکال کند و بگوید که این تصریح با الفاظ عموم نشد و اشکال دیگر اینکه وقتی می‌گوید منظور من جمیع احوال و انواع و اصناف است آیا این احوال و انواع و اصناف نیاز به اجرای مقدمات حکمت برای اینکه شمولیت آن‌ها را برساند دارد یا نه؟ یا با همان ادات شمولیت را می‌رساند.